



نشریه دانش — جویی هلال مهربانی
دانشگاه علوم پزشکی قسا، سال چهارم،
شماره دوازدهم، نیمه دوم خردادماه ۱۴۰۰

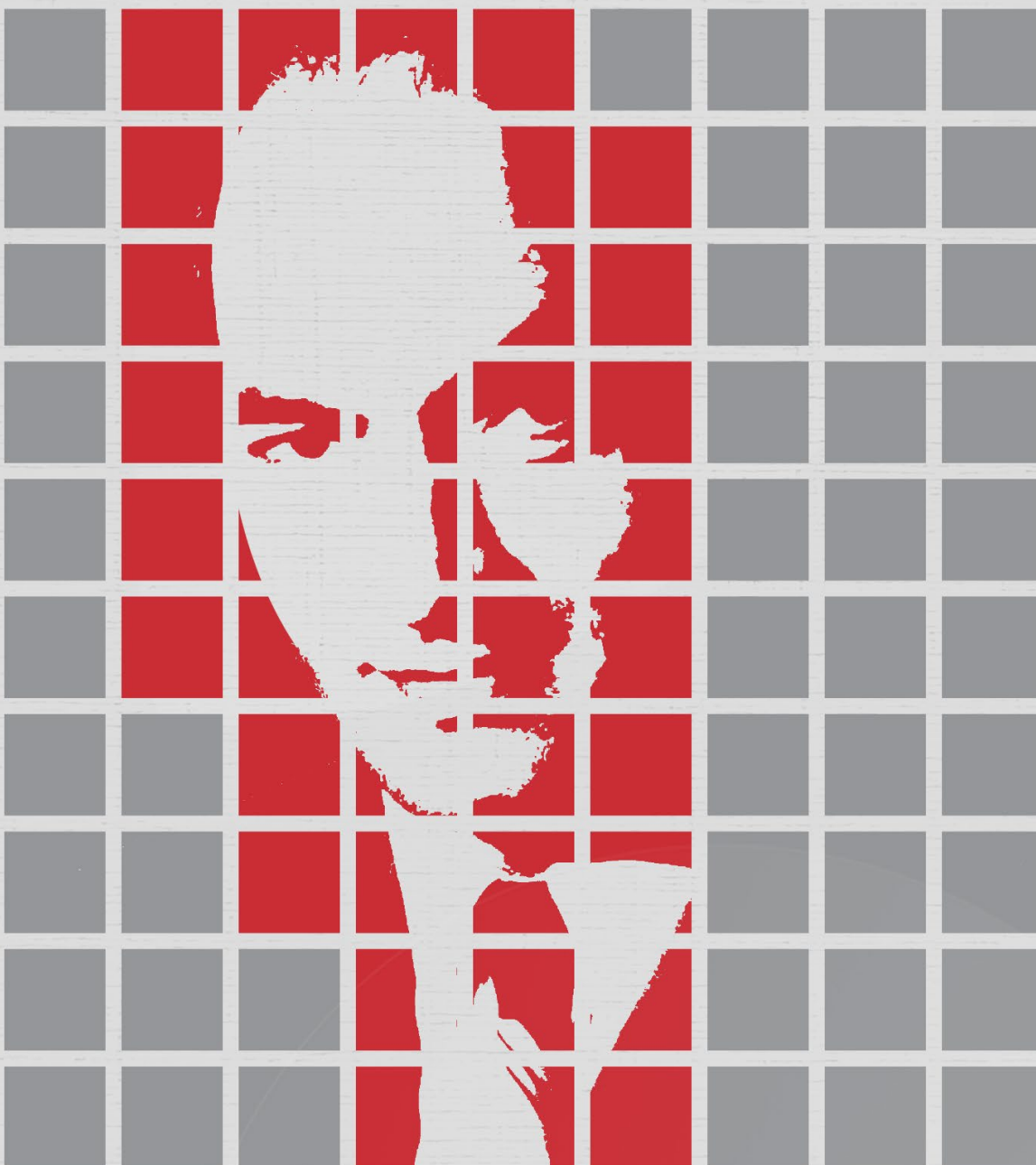
فکری روشن^{۱۶}

در نقطه تاریکی از تاریخ

دکتر چمران را بهتر بشناسیم^{۱۰}

روز جهانی صنایع دستی^۴

به پاس «۴۳» سال زندگی دکتر علی شریعتی





گاهنامه هلال مهربانی

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی فسا
سال چهارم، شماره دوازدهم، نیمه دوم خردادماه ۱۴۰۰

سخن سردبیر

برای دومین بار در ماه جاری، با تحریریه هلال مهربانی مهمان سمع و نظر شما عزیزان هستیم. در این شماره از نشریه، مناسبت های این ماه در نظر گرفتیم و برآنیم تا دو شخصیت تاثیرگذار تاریخ معاصر کشور را به شما بیشتر بشناسانیم. این بار هم با ما همراه باشید.



+ تصویری از چمران در تشییع
جنازه شریعتی (ص ۲۰)

شناسنامه

مدیر مسئول، سردبیر

واندکی ویراستار: مریم سینا

صفحه آرا: محمد راسخی

هیئت تحریریه: سمانه دهقانی، فاطمه

جاویدی آزاد، محمد مهدی مطهری نیا،

آیدا امینی و جمعی از دانشجویان

کانال کانون هلال احمر

دانشگاه علوم پزشکی فسا

@helaLahmar_fums

اینستاگرام نشریه هلال مهربانی

@helaL.mehrbani.mag

علاقتمندان جهت اعلام همکاری با

نشریه، به همین آدرس مراجعه کنند.

فهرست

سخن سردبیر	۳
روز جهانی صنایع دستی	۴
وفات امام جعفر صادق (ع)	۶
دکتر چمران را بهتر بشناسیم	۱۰
فکری روشن در نقطه تاریکی از تاریخ	۱۶
معرفی کتاب هبوط	۱۸

باید انسان بودن، پاک بودن، مسئول بودن و در اندیشه سرنوشت دیگران بودن، وظیفه باشد. بالاتر از آن صفت آدمی باشد، باز هم بالاتر، وجود آدمی باشد.

(دکتر شریعتی)

روز جهانی صنایع دستی

فاطمه جاویدی آزاد، هوشبری ۹۸

۱۰ ژوئن، روز جهانی صنایع دستی است؛ روزی متعلق به دنیای پر نقش و نگار دست بافته ها و جلوه هایی که عاشقانه خلق شده اند و ارزش آنها به حدی است که نمی توان قیمتی را برای شان متصور شد. می توان در ذره ذره آنها عشق را لمس کرد و قصه دل خالقش را خواند. رنگ ها و نقش هایی که انگار لب به سخن می گشایند و داستانی شنیدنی را روایت می کنند؛ کافیت گوش جان داشته باشی و به این روایت دل بسپاری.



صنایع دستی چیست؟

به آثار و صناعی که تمام مراحل ساخت آنها توسط دست و ابزارهای دستی انجام می شود و برگرفته از فرهنگ و هنر و بینش و ذوق مردم هر منطقه است، صنایع دستی می گویند. در ساخت این صنایع از مواد اولیه بومی استفاده می شود و همه، آن را کالایی برای معرفی ویژگی های قومی و فرهنگی هر منطقه می دانند. مبادله این صنایع، موجب نوعی ارتباط فرهنگی میان جوامع گوناگون می شود و روابط میان آنها را بهبود می بخشد.

ویژگی های صنایع دستی

هر اثر یا صنعتی را به راحتی نمی توان در زمره صنایع دستی قرار داد. برای آنکه محصولی را جزو صنایع دستی قلمداد کنیم باید ویژگی های زیر را داشته باشد:

۱. نقش فرهنگی و هویت بخشی به یک ملت (داشتن بار فرهنگی)
۲. عدم نیاز به سرمایه گذاری کلان در مقایسه با سایر رشته های صنعتی
۳. قابلیت ایجاد و توسعه در مناطق مختلف (شهر، روستا و حتی جوامع عشایری)
۴. سهولت در ایجاد مراکز تولید
۵. دارا بودن ارزش افزوده زیاد در مقایسه با صنایع دیگر
۶. خودکفا و متکی به مواد اولیه داخلی
۷. کمک به رشد و توسعه اقتصادی
۸. داشتن زمینه های مناسب جهت صادرات

صنایع دستی اراهی برای ورود به دنیای اقوام و ملت ها

آدمی مجالی برای بازدید و شناختن تمام فرهنگ ها و اقوام ندارد اما روح و ذهن کنجکاوش هر روز آرزوی دیدار و شناخت

فرهنگی جدید را در سر می پروراند.

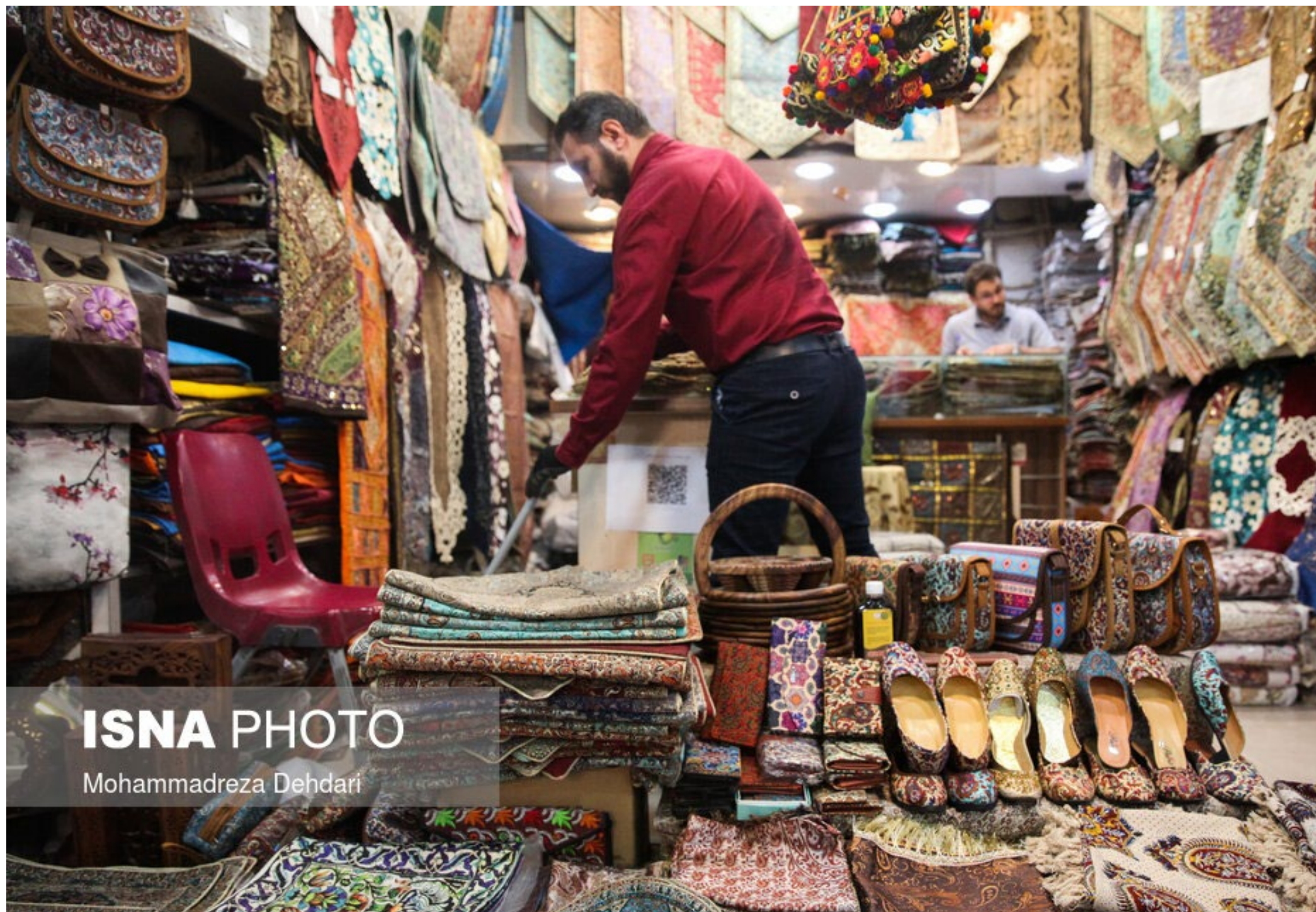
دیدن صنایع دستی و هنرهای کاربردی را می توان یکی از جذاب ترین راه ها برای شناخت اقوام دانست؛ چرا که این آثار از اعماق فرهنگ و باورها خلق می شوند. هنرمند خلاق، با روحی قومی و ملی و با عشق به بافت فرهنگی خود، شروع به خلق اثرش می کند تا با مواد اولیه موجود، رنگ ها و تزیینات دوست داشتنی و جلوه های برخاسته از باورها و آرزوهای سرزمینش را به نمایش بگذارد.

۱۰ ژوئن | روز جهانی صنایع دستی

بعد از آن که کشورهای پیشرفته پس از جنگ جهانی دوم صنایع دستی را با رویکرد هنری و فرهنگی مورد توجه قرار دادند، نخستین همایش جهانی در این زمینه در ۱۰ ژوئن سال ۱۹۶۴ میلادی در نیویورک برگزار شد. در این همایش شماری از اساتید دانشگاه، هنرمندان و صنعتگران و... از ۴۰ کشور جهان شرکت داشتند.

در پایان این همایش، تاسیس «شورای جهانی صنایع دستی»، به عنوان نهاد وابسته به یونسکو تصویب شد و دبیرخانه آن را در شهر آمستردام کشور هلند تعیین کردند. قرار بر این بود که این شورا اهداف زیر را دنبال کند:

- تشویق، کمک و راهنمایی صنعتگران دستی و همچنین بالا بردن سطح اطلاعات تخصصی و حرفه ای آنها با توجه به زمینه های متفاوت فرهنگی موجود در هر یک از کشورهای عضو
 - حفظ و تقویت صنایع دستی و تجلی آن به صورت رکن عمده ای از حیات فرهنگی ملت ها
 - ایجاد همبستگی میان صنعتگران دستی سراسر جهان
- ایران نیز در سال ۱۳۴۷ خورشیدی برابر با ۱۹۶۸ میلادی به عضویت این شورا درآمد و در مجمع آسیا و اقیانوسیه فعالیت



ISNA PHOTO

Mohammadreza Dehdari

خود را آغاز کرد.

در سال ۲۰۱۰ بود که ایران پیشنهاد اختصاص روزی به صنایع دستی را داد و روز ۱۰ ژوئن یعنی تاریخ تاسیس شورا را برای آن در نظر گرفت. شورای جهانی صنایع دستی با این پیشنهاد موافقت کرد و این روز با عنوان روز جهانی صنایع دستی یا World Handicrafts Day و به اختصار WHD نامگذاری شد.

صنایع دستی ایران

اقوام مختلف ایرانی در گوشه و کنار این مرز پهناور، با خلاقیت و ذوق هنری و ابتکار خود از دیرباز در تولید صنایع دستی شهره جهانیان بوده‌اند. تنوع و کیفیت محصولات تولید شده بسیاری از پژوهشگران بزرگ را بر آن داشته تا به بررسی و تحلیل صنایع دستی ایران بپردازند.

کارشناسان سازمان صنایع دستی ایران، دسته بندی را بر اساس روش و تکنیک ساخت آثار در نظر گرفته اند که بر اساس آن ۳۷۰ رشته صنایع دستی ثبت شده به ۲۴ دسته تقسیم می‌شوند و عبارتند از:

بافته های داری، دست بافی، بافتنی، روکاری، چاپ های سنتی، نمد مالی، سفال گری و سرامیک سازی، شیشه گری، تولید فرآورده های پوست و چرم، ساخت محصولات فلزی و آلیاژ، قلم زنی، مشبک کاری، حکاکی روی فلزات و آلیاژها، سنگ تراشی، حکاکی روی سنگ و معرق سنگ، خراطی چوب، ریزه کاری و نازک کاری چوب، منبت کاری، کنده کاری و مشبک کاری چوب، حصیر بافی، خاتم سازی، معرق کاری، کاشی گری، ملیله کاری، مینا کاری، ساخت اشیای مستطرفه و هنری، ساخت زیورآلات، ساخت سایر فرآورده های دستی

وفات امام جعفر صادق



جعفر بن محمد معروف به امام جعفر صادق علیه السلام، ششمین امام شیعیان اثنی عشری، بعد از پدر گرامیشان امام محمد باقر علیه السلام به امامت رسیدند. امام جعفر صادق علیه السلام ۱۷ ربیع الاول در شهر مدینه چشم به جهان گشودند و حدود ۶۵ سال عمر کردند که مدت ۳۴ سال از عمر این امام بزرگوار دوره امامت شان بود.

این امام بزرگوار که به مدت ۳۴ سال امامت بر عهده ایشان بود با خلافت ۵ خلیفه اموی یعنی از هشام بن عبدالملک به بعد و دو خلیفه نخست عباسی سفاح و منصور ذواینفی هم زمان بود.

این امام بزرگوار به دلیل ضعف حکومت اموی فعالیت علمی بسیار بیشتری نسبت به دیگر امامان شیعه داشته.

بیشتر روایات اهل بیت علیه السلام از امام صادق علیه السلام است. از این رو مذهب شیعه اصلی را مذهب جعفری نیز می خوانند. برخی علمای شیعه معتقدند که امام صادق علیه السلام به دستور منصور دوانقی و بر اثر مسمومیت شهید شده اند. طبق منابع روایی شیعه، امام کاظم علیه السلام را به عنوان امام بعد از خود به اصحاب شان نشان داده بودند؛ اما به منظور حفظ جان وی پنج نفر از جمله منصور خلیفه عباسی را وصی خود معرفی کردند. پس از شهادت امام جعفر صادق علیه السلام فرقه های مختلفی در شیعه شکل گرفت که اسماعیلیه، قطحیه، ناووسیه از آن جمله بودند.



دکتر چمران را بهتر بشناسیم

محمد مهدی مطهری نیا، پرستاری ۹۹

دکتر مصطفی چمران:

من در آمریکا زندگی خوشی داشتم، از همه نوع امکانات برخوردار بودم ولی همه لذات را سه طلاقه کردم و به جنوب لبنان رفتم تا در میان محرومین و مستضعفین زندگی کنم، با فقر و محرومیت آن‌ها آغشته شوم، قلب خود را برای دردها و غم‌های این دل شکستگان باز کنم. دائماً در خطر مرگ، زیر بمباران‌های اسرائیل به سر آورم، لذت خود را در آب دیده قرار دهم، تنها آسمان را در سکوت و ظلمت شب، پناهگاه آه‌های سوزان خود کنم.

به طور مختصر اگر نمی‌توانم این مظلومین داغ‌دیده را کمکی کنم، لااقل در میان آن‌ها باشم، مثل آن‌ها زندگی کنم و دردها و غم‌های آن‌ها را به قلب خود بپذیرم.

می‌خواستم که در این دنیا با سرمایه‌داران و ستمگران محشور نباشم. در جوار آن‌ها نفس نکشم از تمتعات حیات آن‌ها محظوظ نشوم و علم و دانش خود را در قبال پول و لذت زندگی خوش به آن‌ها نفروشم.

زندگی نامه شهید مصطفی چمران

دکتر مصطفی چمران در سال ۱۳۱۱ در تهران، خیابان پانزده خرداد، بازار آهنگرها، سرپولک متولد شد.



تحصیلات:

وي تحصیلات خود را در مدرسه انتصاریه، نزدیک پامنار، آغاز کرد و در دارالفنون و البرز دوران متوسطه را گذراند؛ در دانشکده فنی دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۳۶ در رشته الکترومکانیک فارغ التحصیل شد و یک سال به تدریس در دانشکده فنی پرداخت.

وي در همة دوران تحصیل شاگرد اول بود. در سال ۱۳۳۷ با استفاده از بورس تحصیلی شاگردان ممتاز به آمریکا اعزام شد و پس از تحقیقات علمی در جمع معروفترین دانشمندان جهان در دانشگاه کالیفرنیا و معتبرترین دانشگاه آمریکا برکلی - با ممتازترین درجه علمی موفق به اخذ دکترای الکترونیک و فیزیک پلاسما گردید.

فعالیت های اجتماعی:

از ۱۵ سالگی در درس تفسیر قرآن مرحوم آیت الله طالقانی، در مسجد هدایت، و درس فلسفه و منطق استاد شهید مرتضی مطهری و بعضی از اساتید دیگر شرکت می کرد و از اولین اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران بود. در مبارزات سیاسی دوران دکتر مصدق از مجلس چهاردهم تا ملی شدن صنعت نفت شرکت داشت و از عناصر پرتلاش در پاسداری از نهضت ملی ایران در کشمکش های مرگ و حیات این دوره بود. بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد و سقوط حکومت دکتر مصدق،

به نهضت مقاومت ملی ایران پیوست و سخت ترین مبارزه ها و مسئولیت های او علیه استبداد و استعمار شروع شد و تا زمان مهاجرت از ایران، بدون خستگی و با همه قدرت خود، علیه نظام طاغوتی شاه جنگید و خطرناک ترین مأموریت ها را در سخت ترین شرایط با پیروزی به انجام رسانید.

در آمریکا، با همکاری بعضی از دوستانش، برای اولین بار انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را پایه ریزی کرد و از مؤسسين انجمن دانشجویان ایرانی در کالیفرنیا و از فعالین انجمن دانشجویان ایرانی در آمریکا به شمار می رفت که به دلیل این فعالیت ها، بورس تحصیلی شاگرد ممتازی وی از سوی رژیم شاه قطع می شود. پس از قیام خونین ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و سرکوب ظاهری مبارزات مردم مسلمان به رهبری امام خمینی (ره) دست به اقدامی جسورانه و سرنوشت ساز می زند و همه پل ها را پشت سر خود خراب می کند و به همراه بعضی از دوستان مؤمن و هم فکر، رهسپار مصر می شود و مدت دو سال، در زمان عبدالناصر، سخت ترین دوره های چریکی و جنگ های پارتیزانی را می آموزد و به عنوان بهترین شاگرد این دوره شناخته می شود و فوراً مسئولیت تعلیم چریکی مبارزان ایرانی به عهده او گذارده می شود.

در لبنان:

طرح از سایت آوینی



بعد از وفات عبدالناصر، ایجاد پایگاه چریکی مستقل، برای تعلیم مبارزان ایرانی، ضرورت پیدا می کند و لذا دکتر چمران رهسپار لبنان می شود تا چنین پایگاهی را تأسیس کند.

او به کمک امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان، حرکت محرومین و سپس جناح نظامی آن، سازمان «امل» را براساس اصول و مبانی اسلامی پی ریزی نموده که در میان توطئه ها و دشمنی های چپ و راست، با تکیه بر ایمان به خدا و با اسلحه شهادت، خط راستین اسلام انقلابی را پیاده می کند و علی گونه در معرکه های مرگ و حیات به آغوش گرداب خطر فرو می رود و در طوفان های سهمناک سرنوشت، حسین وار به استقبال شهادت می تازد و پرچم خونین تشیع را در برابر جبارترین ستم گران روزگار، صهیونیزم اشغال گر و هم دستان خونخوار آنها، راست گرایان «فالانژ»، به اهتزاز در می آورد و از قلب بیروت سوخته و خراب تا قلعه های بلند کوه های جبل عامل و در مرزهای فلسطین اشغال شده از خود قهرمانی ها به یادگار گذاشته؛ در قلب محرومین و مستضعفین شیعه جای گرفته و شرح این مبارزات افتخارآمیز با قلمی سرخ و به شهادت خون پاک شهدای لبنان، بر کف خیابان های داغ و بر دامنه کوه های مرزی اسرائیل برای ابد ثبت

گردیده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران:

دکتر چمران با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، بعد از ۲۳ سال هجرت، به وطن باز می گردد. همه تجربیات انقلابی و علمی خود را در خدمت انقلاب می گذارد؛ خاموش و آرام ولی فعالانه و قاطعانه به سازندگی می پردازد و همة تلاش خود را صرف تربیت اولین گروه های پاسداران انقلاب در سعدآباد می کند. سپس در شغل معاونت نخست وزیر در امور انقلاب شب و روز خود را به خطر می اندازد تا سریع تر و قاطعانه تر مسئله کردستان را فیصله دهد تا اینکه بالاخره در قضیه فراموش ناشدنی «پاوه» قدرت ایمان و اراده آهنین و شجاعت و فداکاری او بر همگان ثابت می گردد.

در کردستان:

در آن شب مخوف پاوه، همة امیدها قطع شده بود و فقط چند پاسدار مجروح، خسته و دل شکسته در میان هزاران دشمن مسلح به محاصره افتاده بودند. اکثریت پاسداران قتل عام شده بودند و همة شهر و تمام پستی و بلندی ها به دست دشمن افتاده بود و موج نیروهای خونخوار دشمن لحظه به لحظه نزدیک تر می شد. باران گلوله می بارید و می رفت تا آخرین نقطه مقاومت نیز در خون پاسداران غرق گردد. ولی دکتر چمران با شجاعت و ایثارگری فراوان توانست این شب هولناک را با پیروزی به صبح امید متصل کند و جان پاسداران باقی مانده را نجات دهد و شهر مصیبت زده را از

سقوط حتمي برهاند.

آنگاه فرمان انقلابي امام خميني (ره) صادر شد. فرماندهي كل قوا را به دست گرفت و به ارتش فرمان داد تا در ۲۴ ساعت خود را به پاوه برساند و فرماندهي منطقه نيز به عهده دكتور چمران واگذار شد.

رزمندگان از جان گذشته انقلاب، اعم از سرباز و پاسدار به حرکت درآمدند و همه تجارب انقلابي، ايمان، فداكاري، شجاعت، قدرت رهبري و برنامه ريزي دكتور چمران در اختيار نيروهاي انقلاب قرار گرفت و عالي ترين مظاهر انقلابي و شكوهمندترين قهرماني ها به وقوع پيوست و در عرض ۱۵ روز شهرها و راه ها و مواضع استراتژيك كردستان به تصرف نيروهاي انقلاب اسلامي درآمد و كردستان از خطر حتمي نجات يافت و مردم مسلمان كرد با شادي و شعف به استقبال اين بيروزي رفتند.

| در خوزستان:

گروهي از رزمندگان داوطلب، به گرد او جمع شدند و او با تربيت و سازماندهي آنان، ستاد جنگ هاي نامنظم را در اهواز تشكيل داد. اين گروه كم كم قوت گرفت و منسجم شد و خدمات زيادي انجام داد. تنها كساني كه از نزديك شاهد ماجراهاي تلخ و شيرين، بيروزي ها و شكست ها، شهادت ها و شهادت ها و ايتاگرگري هاي آنان بودند، به گوشه اي از اين خدمات كه دكتور چمران شخصاً مایل به تبليغ و بازگويي آنها نبود، آگاهي دارند.

ايجاد واحد مهندسي فعال براي ستاد جنگ هاي نامنظم يكي از اين برنامه ها بود كه به كمك آن، جاده هاي نظامي به سرعت در نقاط مختلف ساخته شد و با نصب پمپ هاي آب در كنار رود كارون و احداث يك كانال به طول حدود بيست كيلومتر و عرض يك متر در مدتي حدود يك ماه، آب كارون را به طرف تانك هاي دشمن روانه ساخت، به طوري كه آنها مجبور شدند چند كيلومتر عقب نشيني كنند و سدي عظيم مقابل خود بسازند و با اين عمل فكر تسخير اهواز را براي هميشه از سر به دور دارند.

يكي از كارهاي مهم و اساسي او از همان روزهاي اول، ايجاد هماهنگي بين ارتش، سپاه و نيروهاي داوطلب مردمی بود كه در منطقه حضور داشتند. بازده اين حرکت و شيوه جنگ مردمی و هماهنگي كامل بين نيروهاي موجود، تاكنيك تقريباً جديد جنگي بود؛ چيزي كه ابرقدرت ها قبلاً فكر آن را نكرده بودند. متأسفانه اين هماهنگي در خرمشهر بوجود نيامد و نيروهاي مردمی تنها ماندند. او تصميم داشت به خرمشهر نيز برود، ولي به علت عدم وجود فرماندهي مشخص در آنجا و خطر سقوط جدي اهواز، موفق نشد ولي چندين بار نيروهايي بين دويست تا يك هزار نفر را سازماندهي کرده و به خرمشهر فرستاد و آنان به كمك ديگر برادران مقاوم خود توانستند در جنگي نابرابر مقابل حملات پياپي دشمن تامتد ها مقاومت كنند.

| به سوي قربانگاه:

در سحرگاه سي و يكم خردادماه شصت، ايرج رستمي فرمانده منطقه دهلاويه به شهادت رسيد و شهيد دكتور چمران به شدت از اين حادثه افسرده و ناراحت بود. غمي مرموز همه رزمندگان ستاد، بخصوص رزمندگان و دوستان رستمي را فرا گرفته بود. دسته اي از دوستان صميمي او مي گريستند و گروهي ديگر مبهوت فقط به هم مي نگريستند. از در و ديوار، از جبهه و شهر، بوي مرگ و نسيم شهادت مي وزيد و گويي همه در سكوتي مرگبار منتظر حادثه اي بزرگ و زلزله اي وحشتناك بودند. شهيد چمران، يكي ديگر از فرماندهانش را احضار كرد و خود او را به جبهه برد تا در دهلاويه به جاي رستمي معرفي كند و در لحظه حرکت وي، يكي از رزمندگان با سادگي و زيبايي گفت: «همانند روز عاشورا كه يكايك ياران حسين (ع) به شهادت رسيدند، عباس علمدار او (رستمي) هم به شهادت رسيد و اينك خود او همانند ظهر عاشوراي حسين (ع) آماده حرکت به جبهه است.»

همة اطرافيانش هنگام خروج از ستاد با او وداع مي کردند و با نگاه هاي اندوه بار تا آنجا كه چشم ميديد و گوش مي شنيد،

او و همراهانش را دنبال مي کردند و غمي مرموز و تلخ بر دلشان سنگيني مي کرد.

دكتور چمران، شب قبل در آخرين جلسه مشورتي ستاد، يارانش را با وصاياي بي سابقه اي نصيحت کرده بود و خدا مي داند كه در پس چهره ساكت و آرام ملكوتي او چه غوغا و چه شور و هيجاني از شوق رهايي، رستن از غم و رنج ها، شنيدن دروغ و تهمت ها و دم برنياوردن ها و از شوق شهادت برپا بود. چه بسيار ياران باوفاي او به شهادت رسديه بودند و اينك او خود به قربانگاه مي رفت. سال ها ياران و تربيت شدگان عزيزش در مقابل چشمانش و در كنارش شهيد شدند و او آنها را بر دوش گرفت و خود در اشتياق شهادت سوخت، ولي خدای بزرگ او را در اين آوايش هاي سخت محك مي زد و مي آزمود، او را هر چه بيشتر مي گداخت و روحش را صيقل مي داد تا قرباني عاليتري از خاكبان را به ملائك معرفي نمايد و بگويد: اني اعلم ما لا تعلمون. «من چيزهايي مي دانم كه شما نمي دانيد.»

به طرف سوسنگرد به راه افتاد و در بين راه مرحوم آيت الله اشراقي و شهيد تيمسار فلاحي را ملاقات كرد. براي آخرين بار يكدیگر را بوسيدند و بازهم به حرکت ادامه داد تا به قربانگاه رسيد. همة رزمندگان را در كانالي پشت دهلاويه جمع كرد، شهادت فرمانده شان، ايرج رستمي را به آنها تبريك و تسليت گفت و با صدائي محزون و گرفته از غم فقدان رستمي، ولي نگاهي عميق و پرنور و چهره اي نوراني و دلي سرشار از عشق به شهادت و شوق ديدار پروردگار، گفت: «خدا رستمي را دوست داشت و برد و اگر ما را هم دوست داشته باشد، مي برد.»

خداوند ثابت كرد كه او را دوست مي دارد و چه زود او را به سوي خود فراخواند.

| شهادت:

سخنش تمام شد، با همة رزمندگان خدا حافظی و ديده بوسی كرد، به همة سنگرها سرکشی نمود و در خط مقدم، در نزديك ترين نقطه به دشمن، پشت خاكريزي ايستاد و به رزمندگان تأكيد كرد

كه از اين نقطه كه او هست، ديگر كسی جلوتر نرود، چون دشمن به خوبي با چشم غير مسلح ديده می شد و مطمئناً دشمن هم آنها را ديده بود. آتش خمپاره كه از اولين ساعات بامداد شروع شده بود و علاوه بر رستمي قربانی های ديگری نيز گرفته بود، باريدن گرفت و دكتور چمران دستور داد رزمندگان به سرعت از كنارش متفرق شوند و از هم فاصله بگيرند.

يارانش از او فاصله گرفتند و هر يك در گودالی مات و مبهوت در انتظار حادثه ای جانكاه بودند كه خمپاره ها در اطراف او به زمين خورد و با اصابت يکی از خمپاره های صداميان، تركش خمپاره دشمن به پشت سر دكتور چمران اصابت كرد و تركش های ديگر صورت و سينه دو يارش را كه در كنارش ايستاده بودند، شكافت و فرياد و شيون رزمندگان و دوستان و برادران باوفايش به آسمان برخاست. او را به سرعت به آمبولانس رساندند. خون از سرش جاري بود و چهره ملكوتي و متبسم و در عين حال متين و محكم و موقر آغشته به خاك و خونس، با آنكه عميقاً سخن ها داشت، ولی ظاهراً ديگر با كسی سخن نگفت و به كسی نگان نكرد. شايد در آن اوقات، همانطوری كه خود آرزو کرده بود، حسين (ع) بر بالينش بود و او از عشق ديدار حسين (ع) و رستن از اين دنياي پراز درد و پيوستن به روح، به زيبايی، به ملكوت اعلى و به ديار مصفاي شهيدان، فرصت نگاهی و سخنی باما خاكبان رانداشت. در بيمارستان سوسنگرد كه بعداً به نام شهيد دكتور چمران ناميده شد، كمك های اوليه انجام شد و آمبولانس به طرف اهواز شتافت، ولی افسوس كه فقط جسم بی جانش به اهواز رسيد و روح او سبكبال و با كفنی خونين كه لباس رزم او بود، به ديار ملكوتيان و به نزد خدای خویش پرواز كرد و ندای پروردگار را بليك گفت كه: «ارجعی الی ربك راضيه مرضيه»

از شهادت انسان ساز سردار پرافتخار اسلام، اين فرزند هجرت و جهاد و شهادت و اسوه حرکت و مقاومت، نه تنها مردم اهواز و خوزستان بلکه امت مسلمان ايران و شيعیان محروم لبنان به پا خاستند و حتی ملل مستضعف و زاده دنيا غرق در حسرت و ماتم گرديدند

فکری روشن در نقطه تاریکی از تاریخ

آیدامینی هوشبری ۹۸



▲ شریعتی در حسینیه ارشاد



▲ زادگاه شریعتی



▲ زادگاه شریعتی

چهل و سه سال گذشت....

اما، ای معلم

چه کسی از دفتر اندیشه ی ما

نقش تو را خواهد شست

در جامعه ی امروز کمتر کسی است که نام دکتر علی شریعتی را نشنیده باشد. وی نویسنده، جامعه‌شناس، تاریخ‌شناس، پژوهشگر دینی، مبارز و فعال مذهبی و سیاسی و همچنین از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی ایران در دوره پهلوی بود.

علی شریعتی در دوم آذر ماه ۱۳۱۲ در یکی از توابع دهکده مزینان بنام کاهک در خراسان رضوی در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود.

شریعتی در سال ۱۳۳۴ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد وارد شد و رشته ادبیات فارسی را برای تحصیل انتخاب کرد.

پس از دریافت لیسانس در رشته ادبیات فارسی به علت شاگرد اول شدنش برای ادامه تحصیل به دانشگاه سوربن فرانسه فرستاده شد. دوران تحصیل شریعتی همزمان با جریان نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق بود. او نیز با قلم و بیان خود و نوشته های محکم و مستدل از این حرکت دفاع می کرد.

او پس از سال ها تحصیل، با مدرک دکترا در رشته های جامعه شناسی و تاریخ ادیان به ایران بازگشت. در همان دوران نیز فعالیت‌های بسیاری در زمینه های سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی داشت.

در سال ۱۳۴۸ به حسینیه ارشاد دعوت شد و مسئولیت امور فرهنگی حسینیه را به عهده گرفت و به تدریس جامعه شناسی مذهبی، تاریخ شیعه و معارف اسلامی پرداخت. استحکام کلام، بافت منطقی جملات وی با اتکاء به پشتوانه فنی و عمیق فکری او هر شنونده ای را در کوتاه ترین مدت تحت تاثیر قرار می داد.

۴ سال بعد، رژیم، حسینیه ارشاد که پایگاه هدایت و ارشاد مردم بود را تعطیل کرد و معلم مبارز را به مدت ۱۸ ماه روانه زندان کرد.

شریعتی در ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ از تهران به سوی اروپا هجرت کرد تا دورانی جدید با مطالعه و مبارزه آغاز کند؛ اما سرانجام در روز یکشنبه ۲۹ خرداد ماه ۱۳۵۶ ساواک ادعا کرد علی شریعتی بر اثر بیماری قلبی در سن ۴۴ سالگی در انگلستان جان باخته است. هرچند مرگ وی توسط برخی به دلیل نداشتن سابقه ی بیماری قلبی، عدم کالبدشکافی و اعلام نتیجه سریع و خبر داشتن سفارت ایران در لندن از مرگ وی قبل از اعلام رسمی خبر مشکوک دانسته شد.

هم‌اکنون پیکر وی بر خلاف وصیتش در مکانی نزدیک حرم زینب در دمشق سوریه به امانت سپرده شده است. از آثار و کتاب‌های او می‌توان به فاطمه، فاطمه است، فلسفه تاریخ در اسلام، تمدن و تجدد، کویر، آری این چنین بود برادر، انسان و اسلام، بازگشت به خویشتن و... اشاره کرد.

گزیده کتاب

فقر

همان گرد خاکی است که بر کتاب های فروش نرفته یک کتاب فروشی می‌نشیند.

فقر

شب را بی غذا سر کردن نیست؛ روز را بی اندیشه سپری کردن است.

«دکتر علی شریعتی»

گزیده کتاب

اما امروز این چنین روشن و سبک می رسد! نومییدی هنگامی که به مطلق می رسد، یقنی زلال و آرام بخش میشود. چه قدرتی و غنایی است در ناگهان هیچ نداشتن! اضطراب ها همه زده انتظارهاست. هیچ گودویی در راه نیست. در این کویر، فریب سرابی هم نیست. جاده ها همه خلوت، راه ها همه برچیده و چه می گویم؟ هستی گردویی پوک! به انتهای همه راهها رسیده ام. جهان سخت فرتوت و ویرانه است. چه کنم؟

باز میگردم. رجعت! بهشتی را که ترک کردم باز میجویم. دست هایم را از آن گناه نخستین، عصیان، می شویم.. همه غرقه های بهشت نخستینم را از خویشتن خویش فتح میکنم! طبیعت را، تاریخ را، جامعه را و خویشتن را. در آنجا من و عشق و خدا دست در کار توطئه ای خواهیم شد تا جهان را از نو طرح کنیم؛ خلقت را بار دیگر آغاز کنیم. در این ازل، دیگر خدا تنها نخواهد بود. در این جهان، من دیگر غریب نخواهم ماند. این فلک را از میان بر میداریم؛ پرده غیب را بر می داریم؛ ملکوت را به زمین فرود می آوریم. بهشتی که در آن درختان همه ممنوع اند؛ جهانی که دست های هنرمند ما معمار آن است...

هبوط نوشته دکتر "علی شریعتی" است که یکی از کتاب های زیبای دکتر علی شریعتی به همراه کویر است که متن بسیار زیبا پر از توصیفات زیبا و شاعرانه ای دارد.

کلمه "هبوط" به معنی "فرود آمدن" است. داستان کلی کتاب هم در همین مورد است. چگونگی فرود آمدن انسان از بهشتی که در آن بود. اما شریعتی به گونه ای دیگر به این بهشت و آن درخت نگاه میکند، هم این اتفاق را خوب میداند و هم بد.

هبوط انسان بسی بسیار شیرین و تلخ است؛ باز شدن چشم ها چه شیرین و مسئولیت دیدن زشتی و فریاد زدن و فریاد رس نبودن چه سخت است. شاید انسان در بهشتی نبوده است و بیابان ها را همه بهشت میدیده است. چرا که بهشت را نمیشناخته است. همانطور که زشتی خود را نمی دانسته؛ و بعد از خوردن آن میوه ممنوعه، آن میوه مسئولیت، میوه درک و شعور و خوب فهمیدن، به زشتی خود پی برده و برگ های انگور را به دور خود زده تا از برهنگی شرم نداشته باشد؛ چرا که دیده بود که شرم چگونه است و زشتی چیست و از آن به بعد هیچ چیز مثل سابق زیبا نبود. چرا که زیبایی واقعی در این دنیا نیست.

حال با همین نگاه مردمی که از آن میوه ممنوعی طعمی در دهان ندارند همه چیز را زیبا میبینند و خود را شاد می یابند، چه زیبا میگوید شریعتی که هر کس به اندازه خوردن از میوه ممنوع احساس مسئولیت و اضطراب میکند. به راستی که برای خوشبخت شدن نیازی به آن همه کتاب های روانشناسی و کارهای مزخرفی که در کتاب ها و تلوزیون تبلیغ میکنند نیست بلکه باید چشم ها را بست، احمق بود و آنچه که هست را انکار کرد و این راهی است برای خوشبخت بودن.

در بقیه کتاب تشبیه هات و توصیفات زیبای خلقت آدم است و چگونگی هبوط آدم را بیان میکند که خواندن آن خالی از لطف نیست. اما بند آخر کتاب بسیار زیبا و شاعرانه نوشته شده است:



معرفی کتاب هبوط

سمانه دهقانی، پرستاری ۹۶

دکتر چمران در تشییع جنازه دکتر شریعتی

ای علی! همیشه فکر می‌کردم که
تو بر مرگ من مرثیه خواهی گفت و
چقدر متأثرم که اکنون من بر تو مرثیه
میخوانم (بخشی از مرثیه‌ی مصطفی
چمران در سوگ علی شریعتی)



ای علی!